

Applying Multi-Grounded Theory to Identify Indigenous Components of Cost Management in the Iranian Banking System (A Qualitative Study with an Inductive Approach)

Davood Vosoughian¹, Jamal Bahri Sales^{2*}, Saeed Jabarzadeh Kangarlouei¹, Asgar Pakmaram³

¹ Department of Accounting, Ur.c, Islamic Azad University, Urmia, Iran

^{2*} Department of Accounting, Ur.c, Islamic Azad University, Urmia, Iran (Corresponding author), Email: j.bahri@iau.ac.ir

³ Department of Accounting, Bon.C., Islamic Azad University, Bonab, Iran

ARTICLE INFO

Article history:

Received:02/10/2025

Received in revised form:27/10/2025

Accepted:262/11/2025

Available online:22/12/2025

Keywords:

Indigenous cost management
multidimensional grounded theory
Iranian banking industry
coding, resistance economy

ABSTRACT

Introduction and Objective: Due to its unique economic structure, the impact of sanctions, and the requirements of Islamic banking, the Iranian banking industry faces distinct challenges regarding cost management. However, most prior research—relying on imported models and quantitative approaches—has failed to provide a comprehensive picture of this phenomenon. This study aims to identify and elucidate the indigenous components of cost management within the Iranian banking system, employing a qualitative approach and Multi-Grounded Theory.

Methodology: This study adopted a qualitative approach, utilizing Multi-Grounded Theory. Data were collected through semi-structured interviews with 16 banking experts—including senior bank executives, university professors, and representatives from regulatory bodies—selected via snowball sampling until theoretical saturation was reached. Data analysis was conducted in three stages—open, axial, and selective coding—using MAXQDA software.

Findings: The analysis of the interviews yielded 270 initial concepts, which were organized into five main categories: causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies, and consequences. The most significant finding of this research was the identification of new, indigenous components absent from classical cost management models, including: "Islamic banking," "economic sanctions," "regulatory bodies (the Central Bank)," "external environmental factors," and the "implementation of a comprehensive banking system." The final model demonstrates that cost management in Iran is a multidimensional phenomenon, contingent upon specific structural and environmental factors that have hitherto been overlooked in the existing literature.

Conclusion and Contribution: This research offers contributions in three areas: theoretical (incorporating new components into the cost management literature), methodological (applying a multidimensional grounded theory approach to the Iranian banking sector), and practical (proposing an indigenous model directly applicable to managers and policymakers within the banking system). The findings of this study can serve as a foundation for designing modern cost management systems in banks and for the formulation of more effective regulations by supervisory authorities

Article Type: Research Paper



©Authors

Cite: Vosoughian, D., Bahri Sales, J., Jabarzadeh Kangarlouei, S. & Pakmaram, A. (2025). Applying Multi-Grounded Theory to Identify Indigenous Components of Cost Management in the Iranian Banking System (A Qualitative Study with an Inductive Approach). Journal of Intelligent Financial Management, 1(4), 221-229.

Journal of Intelligent Financial Management,
2025, Vol. 1, No.4, pp. 221- 229

Publish by:

Tolou-e Binsh-e Ayandeh Scientific Institute

<https://doi.org/10.25843/JIFM.2025.8563.11048>

کاربرد نظریه داده بنیاد چندوجهی در شناسایی مؤلفه های بومی مدیریت هزینه در نظام بانکی ایران (یک پژوهش کیفی با رویکرد استقرایی)

داود وثوقیان^۱، جمال بحری ثالث^{۲*}، سعید جبارزاده کنگرلویی^۱، عسگر پاک مرام^۳

۱ - گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

۲ و ۳ - گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول): ایمیل نویسنده مسئول: j.bahri@iau.ac.ir

۳ - گروه حسابداری، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

کلیدواژه ها:

مدیریت هزینه بومی

نظریه داده بنیاد چندوجهی

صنعت بانکداری ایران

کدگذاری

اقتصاد مقاومتی

چکیده

مقدمه و هدف: صنعت بانکداری ایران به دلیل ساختار خاص اقتصادی، تحریم ها و الزامات بانکداری اسلامی، با چالش های منحصر به فردی در حوزه مدیریت هزینه مواجه است. با وجود این، بیشتر پژوهش های پیشین، با اتکا بر مدل های وارداتی و رویکردهای کمی، نتوانسته اند تصویر جامعی از این پدیده ارائه دهند. هدف این پژوهش، شناسایی و تبیین مؤلفه های بومی مدیریت هزینه در نظام بانکی ایران با استفاده از رویکرد کیفی و نظریه داده بنیاد چندوجهی است.

روش شناسی: این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره گیری از نظریه داده بنیاد چندوجهی (Multi-Grounded Theory) انجام شد. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۶ نفر از خبرگان بانکی (شامل مدیران ارشد بانک ها، اساتید دانشگاه و نهادهای نظارتی) که با روش نمونه گیری گلوله برفی تا مرحله اشباع نظری انتخاب شدند، گردآوری گردید. تحلیل داده ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم افزار MAXQDA انجام شد.

یافته ها: از تحلیل مصاحبه ها، ۲۷۰ مفهوم اولیه استخراج شد که در قالب ۵ مقوله اصلی (شرایط علی، زمینه ای، مداخله گر، راهبردها و پیامدها) سازماندهی شدند. مهم ترین یافته های پژوهش، شناسایی مؤلفه های جدید و بومی ای بود که در مدل های کلاسیک مدیریت هزینه وجود ندارند، از جمله: «بانکداری اسلامی»، «تحریم های اقتصادی»، «نهادهای ناظر (بانک مرکزی)»، «عوامل محیطی بیرونی» و «استقرار نظام بانکداری جامع». مدل نهایی نشان داد که مدیریت هزینه در ایران، پدیده ای چندبعدی و وابسته به عوامل ساختاری و محیطی خاصی است که تاکنون در ادبیات موضوع مغفول مانده اند.

نتیجه گیری و نوآوری: این پژوهش از سه جنبه دارای نوآوری است: نوآوری نظری (افزودن مؤلفه های جدید به ادبیات مدیریت هزینه)، نوآوری روش شناختی (کاربرد نظریه داده بنیاد چندوجهی در حوزه بانکداری ایران) و نوآوری کاربردی (ارائه مدلی بومی که قابلیت کاربرد مستقیم برای مدیران و سیاست گذاران نظام بانکی را دارد). یافته های این پژوهش می تواند مبنایی برای طراحی نظام های نوین مدیریت هزینه در بانک ها و تدوین مقررات کارآمدتر توسط نهادهای نظارتی قرار گیرد.

نوع مقاله: پژوهشی



© نویسندگان

استناد: وثوقیان، داود و بحری ثالث، جمال و جبارزاده کنگرلویی، سعید و پاک مرام، عسگر. (۱۴۰۴). کاربرد نظریه داده بنیاد چندوجهی در شناسایی مؤلفه های بومی مدیریت هزینه در نظام بانکی ایران (یک پژوهش کیفی با رویکرد استقرایی). مدیریت مالی هوشمند، ۱(۴)، ۲۲۱-۲۲۹.

نشریه مدیریت مالی هوشمند، ۱۴۰۴، دوره ۱، شماره ۴، صفحه ۲۲۱-۲۲۹.

ناشر: موسسه علمی طلوع بینش آینده

<https://doi.org/10.25843/JIFM.2025.8563.11048>

۱. مقدمه

صنعت بانکداری به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی، نقش بی‌بدیلی در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی و گردش منابع در بازارهای مالی ایفا می‌کند. در ایران، نظام بانکی به دلیل ساختار دولتی، تحریم‌های اقتصادی، تورم مزمن و ناترازی‌های مالی، همواره با چالش‌های هزینه‌ای پیچیده‌ای مواجه بوده است. به‌طوری که در سال‌های اخیر، بیش از ۶۰ درصد بانک‌های کشور با کسری منابع و عدم تعادل میان سپرده‌ها و تسهیلات دست و پنجه نرم می‌کنند (گزارش بانک مرکزی، ۱۴۰۲). این ناترازی، علاوه بر افزایش هزینه‌های پنهان، موجب کاهش کارایی عملیاتی و تضعیف ثبات مالی نظام بانکی شده است.

با وجود اهمیت حیاتی مدیریت هزینه، بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌های پیشین، به این پدیده به‌عنوان یک موضوع صرفاً مالی یا حسابداری نگاه کرده‌اند و کمتر به ابعاد سازمانی، مدیریتی، فناورانه، فرهنگی و نهادی آن توجه داشته‌اند. از سوی دیگر، بیشتر مدل‌های موجود (نظیر هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت یا هزینه‌یابی هدف) در بستر صنایع تولیدی و اقتصادهای توسعه‌یافته شکل گرفته‌اند و قابلیت تممیم به نظام بانکداری ایران را ندارند. این شکاف نظری و روش‌شناختی، ضرورت انجام یک پژوهش بومی و اکتشافی را برای کشف مؤلفه‌های خاص مدیریت هزینه در ایران آشکار می‌سازد.

هدف اصلی این پژوهش، پر کردن این خلأ با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد چندوجهی است. این روش، به پژوهشگر اجازه می‌دهد بدون پیش‌فرض نظری، از دل داده‌های تجربی (تجارب خبرگان بانکی)، به کشف مقوله‌ها و روابط میان آنها بپردازد.

بر این اساس، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که:

- **مؤلفه‌های بومی و کلیدی مدیریت هزینه در نظام بانکی ایران کدامند و این مؤلفه‌ها در قالب چه مدل پارادایمی قابل تبیین هستند؟**

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۲. مدیریت هزینه در صنعت بانکداری

مدیریت هزینه در بانک‌ها، فرآیندی راهبردی و فراتر از صرفاً کاهش مخارج است. این مفهوم شامل برنامه‌ریزی، شناسایی، کنترل، تخصیص و بهینه‌سازی هزینه‌ها با هدف ارتقای کارایی، افزایش سودآوری و ایجاد مزیت رقابتی است (هورنگرن و همکاران، ۲۰۱۵). در صنعت بانکداری، به دلیل ماهیت نامشهود خدمات، هم‌زمانی تولید و مصرف، و سهم بالای سرمایه انسانی و فناوری اطلاعات، مدیریت هزینه از پیچیدگی بیشتری نسبت به صنایع تولیدی برخوردار است.

هزینه‌های بانکی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: هزینه‌های بهره‌ای (نظیر سود پرداختی به سپرده‌ها) و هزینه‌های غیربهره‌ای (شامل هزینه‌های اداری، پرسنلی، استهلاک و فناوری). در سال‌های اخیر، سهم هزینه‌های غیربهره‌ای در بانک‌های ایران به دلیل افزایش تورم و رشد هزینه‌های پرسنلی، به طور قابل توجهی افزایش یافته و مدیریت آن را به یکی از چالش‌های اصلی مدیران تبدیل کرده است.

۲-۲. نظریه داده‌بنیاد (Grounded Theory)

نظریه داده‌بنیاد که توسط گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) بنیان‌گذاری شد، یک روش پژوهش کیفی است که هدف آن، کشف نظریه از دل داده‌ها است. در این روش، پژوهشگر بدون اتکا به چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده، وارد میدان پژوهش می‌شود و با استفاده از فرآیند کدگذاری، اجازه می‌دهد مفاهیم، مقوله‌ها و روابط میان آنها از داده‌های تجربی ظهور یابند (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷).

رویکرد چندوجهی (Multi-Grounded Theory) که توسط گلدکول (۲۰۰۴) توسعه یافته است، یک گام فراتر از نظریه داده‌بنیاد کلاسیک رفته و معتقد است که نظریه‌پردازی نباید تنها به داده‌های تجربی محدود شود؛ بلکه باید مبانی نظری موجود و ادبیات پژوهش را نیز در فرآیند نظریه‌پردازی دخالت دهد و با تطبیق و غنی‌سازی مداوم، به نظریه‌ای با پشتوانه‌ی قوی‌تر دست یابد (گلدکول و کرونهاولم، ۲۰۱۰).

این رویکرد، به‌ویژه برای پژوهش در حوزه‌هایی مانند مدیریت هزینه در بانکداری ایران که همزمان با فقدان نظریه بومی و وجود ادبیات غنی خارجی مواجه است، بسیار مناسب است.

۳-۲. پیشینه پژوهش (شکاف‌های موجود)

پژوهش‌های خارجی: مطالعات خارجی، عمدتاً بر عوامل ساختاری و مالی اثرگذار بر کارایی هزینه متمرکز بوده‌اند. به‌عنوان مثال، Ebisu & Lakwa (2025) نشان دادند که فناوری مالی (فین‌تک) نقش مثبتی بر کارایی هزینه بانک‌های اتیویی دارد. (Mamonov (2024) بر تأثیر نوسانات نرخ ارز بر کارایی هزینه در بانک‌های روسیه تأکید کرد. (Kılıç (2025) نیز به بررسی تأثیر کارایی هزینه بر عملکرد مالی

بانک‌های دولتی ترکیه پرداخت. با این حال، این پژوهش‌ها عمدتاً در بستر اقتصادهای توسعه‌یافته یا نوظهور با شرایط متفاوت از ایران انجام شده‌اند.

پژوهش‌های داخلی: در داخل کشور، پژوهش‌هایی مانند گلی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) عوامل مؤثر بر تجهیز منابع بانکی را شناسایی کردند. صادقی و نیکوکار (۱۳۹۹) مدلی پویا برای تحلیل هزینه‌ها در بانکداری طراحی کردند. عباسی و همکاران (۱۴۰۲) نیز به اولویت‌بندی چالش‌های کاهش هزینه در بانک ملی پرداختند. اما این مطالعات، عمدتاً از رویکردهای کمی و مدل‌های از پیش تعیین‌شده استفاده کرده‌اند و به کشف ابعاد پنهان و زمینه‌ای پدیده با روش‌های کیفی نپرداخته‌اند.

شکاف اصلی: مهم‌ترین خلأ پژوهشی، فقدان یک مدل بومی و مبتنی بر داده‌های کیفی است که بتواند هم‌زمان ابعاد ساختاری، مدیریتی، فناورانه، نهادی و محیطی (نظیر تحریم‌ها و بانکداری اسلامی) را در مدیریت هزینه بانک‌ها تبیین کند. این شکاف، انگیزه‌ی اصلی برای انجام پژوهش حاضر با رویکرد نظریه داده‌بنیاد چندوجهی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. رویکرد و منطق پژوهش

با توجه به ماهیت اکتشافی موضوع و هدف پژوهش که کشف مؤلفه‌های بومی است، رویکرد کیفی و به‌طور خاص نظریه داده‌بنیاد چندوجهی به‌عنوان روش اصلی انتخاب شد. منطق حاکم بر پژوهش، از نوع استقراء-قیاسی است؛ به این معنا که ابتدا مفاهیم از دل داده‌های تجربی استخراج شدند (استقراء) و سپس با ادبیات موجود تطبیق داده شده و غنی شدند (قیاس).

۳-۲. مشارکت‌کنندگان و نمونه‌گیری

- **جامعه آماری:** شامل خبرگان و صاحب‌نظران حوزه بانکداری (مدیران ارشد و میانی بانک‌ها، اعضای هیئت علمی با تخصص مالی و بانکی، و مدیران نهادهای نظارتی مانند بانک مرکزی) بود.
- **روش نمونه‌گیری:** با توجه به دشواری دسترسی به خبرگان بانکی، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی (ارجاع زنجیره‌ای) استفاده شد. این روش با معرفی خبره‌ی اول به خبره‌ی بعدی، زنجیره‌ای از مشارکت‌کنندگان را شکل داد.
- **حجم نمونه:** تعداد ۱۶ نفر بر اساس قاعده اشباع نظری (دستیابی به نقطه‌ای که مصاحبه‌ی جدید، مفهوم جدیدی به مدل اضافه نمی‌کند) تعیین شد. اشباع نظری در مصاحبه‌ی شانزدهم حاصل شد.

۳-۳. ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی این پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. یک راهنمای مصاحبه شامل ۶ سؤال کلیدی (بر اساس الگوی پارادایمی استراوس و کوربین) طراحی شد. سؤالات به‌صورت باز بودند و امکان طرح سؤالات تکمیلی برای دستیابی به درک عمیق‌تر وجود داشت. مدت زمان هر مصاحبه به‌طور متوسط حدوداً ۱۶ دقیقه بود. تمام مصاحبه‌ها با اجازه‌ی مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی (تایپ) شدند.

۳-۴. روش تحلیل داده‌ها (کدگذاری)

تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA و در سه مرحله انجام گرفت:

- **کدگذاری باز:** در این مرحله، متن مصاحبه‌ها خطبه‌خط شکسته شد و با دقت مورد بررسی قرار گرفت. ۲۷۰ مفهوم اولیه (کد) از دل داده‌ها استخراج شد. مثال‌هایی از کدها: «ناترازی منابع و مصارف»، «هزینه بالای پرسنل»، «عدم شفافیت هزینه‌ها»، «تحمیل تسهیلات تکلیفی».
- **کدگذاری محوری:** در این گام، کدهای اولیه بر اساس شباهت‌های معنایی، دسته‌بندی و ادغام شدند و در قالب ۵ مقوله‌ی اصلی (مطابق با الگوی پارادایمی استراوس و کوربین) سازماندهی گردیدند. این ۵ مقوله عبارتند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها.
- **کدگذاری انتخابی:** در مرحله‌ی نهایی، مقوله‌ها حول یک مقوله‌ی مرکزی (مدیریت هزینه در صنعت بانکداری ایران) یکپارچه شدند و مدل نهایی پژوهش شکل گرفت.



شکل ۱. مدل تجویزی مدیریت هزینه در قلمرو صنعت بانکداری

۳-۵. اعتبار و پایایی (روایی و قابلیت اتکا)

برای افزایش اعتبار یافته‌های کیفی، از روش‌های زیر استفاده شد :

- **بازبینی توسط اعضا: (Member Check)** نتایج کدگذاری به ۴ نفر از مشارکت‌کنندگان ارائه و تأیید شد.
- **بازبینی همکاران** : فرآیند کدگذاری توسط دو پژوهشگر دیگر نیز بررسی و تأیید شد.
- **اشباع نظری** : ادامه مصاحبه تا دستیابی به اشباع، نشان‌دهنده کفایت داده‌هاست.

۴. یافته‌ها (نتایج پژوهش)

۴-۱. مفاهیم اولیه (نتایج کدگذاری باز)

تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی ۲۷۰ مفهوم اولیه شد. این مفاهیم، پدیده‌ی مدیریت هزینه را در وجوه مختلف آن نمایان ساختند. جدول زیر ، فراوانی و درصد مفاهیم را نشان می‌دهد که مهم‌ترین آنها عبارتند از :

- مدیریت هزینه‌های غیربهره‌ای (۱۱ مفهوم، ۴ درصد)
- ارتقای سلامت مالی (۱۱ مفهوم، ۴ درصد)
- ناترازی و مدیریت ترکیب منابع (هر کدام ۱۰ مفهوم، ۴ درصد)
- قیمت تمام‌شده پایین و افزایش اعتماد عمومی (هر کدام ۱۰ مفهوم، ۴ درصد)

جدول ۱ : کدگذاری الگویی - معادل کدگذاری محوری

نوع	مقوله‌های اصلی
شرایط علی	نوع مالکیت، مدیریت هزینه‌های عملیاتی، مدیریت هزینه‌های غیرعملیاتی، مدیریت ترکیب بهینه منابع، مدیریت بخش منابع آزاد در دسترس، ناکارآمدی درآمدها و هزینه‌ها، عدم توجه به فناوری‌های نوین و دیجیتال، ناترازی، افزایش دارایی‌های فریز شده، ضعف در اجرای سیستم بانکداری اسلامی
شرایط زمینه‌ای	توسعه فناوری، مدیریت نسبت‌های ساختار منابع، مدیریت سرمایه، ارتقاء ابزارهای تامین مالی زنجیره تامین، کارایی مدیریت، ضوابط ناظر بر کنترل مقداری دارایی‌ها، عوامل محیطی درونی
شرایط مداخله‌گر	تحریم‌های اقتصادی، شرایط اقتصادی و سیاسی، مدیریت ریسک‌های مالی، مدیریت ریسک‌های غیرمالی، ارزیابی مدل ریسک، تجزیه و تحلیل شکاف‌ها، اقدامات بالقوه اصلاحی، چارچوب سیاست پولی، نهادهای ناظر، عوامل محیطی بیرونی
راهبردها	تقویت کارایی بانکی، تقویت سرمایه پایه بانک، تقویت سرمایه نظارتی بانک، هزینه یابی مبتنی بر رویکردهای نوین، افزایش بازیگران اکوسیستم بانکداری، کنترل‌های نظارتی و استاندارد سازی عملیات بانکی، تقویت ساختار حاکمیت شرکتی، آموزش پرسنل، استقرار نظام بانکداری جامع
پیامدها	قیمت تمام شده پایین، کنترل متوسط نرخ سود منابع، ارتقاء سلامت مالی، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، ثبات بانکی، افزایش اعتماد عمومی به نظام بانکی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۲. مقوله‌های اصلی (نتایج کدگذاری محوری)

در این مرحله، مفاهیم اولیه در قالب ۵ مقوله‌ی اصلی سازماندهی شدند. مهم‌ترین جنبه‌ی این بخش، ظهور مؤلفه‌های جدید و بومی در هر یک از مقوله‌هاست که در ادامه تشریح می‌شود:

الف) شرایط علی (موتورهای محرک شکل‌گیری هزینه):

عواملی که به‌عنوان ریشه و علت اصلی چالش‌های هزینه‌ای عمل می‌کنند. در کنار مؤلفه‌های شناخته‌شده‌ای مانند «ناکارآمدی هزینه/درآمد» و «ضعف فناوری»، مؤلفه‌های جدید زیر نیز شناسایی شدند:

- ضعف در اجرای نظام بانکداری اسلامی (مانند عدم ترویج فرهنگ قرض‌الحسنه که منجر به سپرده‌های گران‌قیمت می‌شود).
- ناترازی بانک‌ها و افزایش دارایی‌های فریز شده که مستقیماً هزینه‌های عملیاتی را افزایش می‌دهند.

ب) شرایط زمینه‌ای (بستر و زیرساخت‌های تسهیل‌کننده):

عواملی که بستر لازم برای اجرای موفق راهبردهای مدیریت هزینه را فراهم می‌کنند. مؤلفه‌های جدید در این بخش شامل:

- ضوابط ناظر بر کنترل مقداری دارایی‌ها (نظیر نسبت‌های نظارتی که بر عملکرد هزینه‌ای بانک‌ها اثر گذارند).
- ارتقای ابزارهای تأمین مالی زنجیره تأمین به‌عنوان یک رویکرد نوین برای کاهش هزینه‌های تأمین مالی.

ج) شرایط مداخله‌گر (عوامل محیطی و مهارکننده):

عوامل خارج از کنترل بانک که بر نحوه‌ی اجرای راهبردها اثر می‌گذارند. مهم‌ترین نوآوری این پژوهش در این بخش شناسایی شد:

- تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر منحصربه‌فرد که در هیچ مدل خارجی دیده نمی‌شود.
- نهادهای ناظر (بانک مرکزی و وزارت اقتصاد) که با سیاست‌های خود، هزینه‌های تحمیلی را افزایش می‌دهند.
- عوامل محیطی بیرونی (مانند نرخ رشد اقتصادی، تورم و نرخ ارز).

د) راهبردها (اقدامات مدیریتی برای کنترل هزینه):

اقداماتی که بانک‌ها برای مدیریت هزینه‌ها اتخاذ می‌کنند. مؤلفه‌های جدید این بخش عبارتند از:

- استقرار نظام بانکداری جامع (ارائه‌ی راهکار متناسب با نیازهای مشتریان و ایجاد ساختار مناسب).
- افزایش بازیگران اکوسیستم بانکداری (هم‌افزایی با فین‌تک‌ها و استارت‌آپ‌ها).

ه) پیامدها (نتایج و دستاوردهای مدیریت هزینه):

نتایج نهایی حاصل از اجرای موفق راهبردها. مؤلفه‌های جدید در این بخش:

- افزایش اعتماد عمومی به نظام بانکی که یک پیامد اجتماعی و نهادی ارزشمند است.
- ثبات بانکی به‌عنوان یک پیامد کلان، فراتر از شاخص‌های صرفاً مالی.

۴-۳. مدل پارادایمی نهایی (حاصل کدگذاری انتخابی)

مدل نهایی پژوهش (برگرفته از شکل صفحه ۶) نشان می‌دهد که مدیریت هزینه در صنعت بانکداری ایران، یک پدیده‌ی سیستمی و چندبعدی است که محصول تعامل بین عوامل درونی (مالکیت، ناترازی، فناوری) و بیرونی (تحریم، سیاست‌ها، نهادهای ناظر) است. این مدل برای اولین بار در ایران، نقش عوامل نهادی و محیطی خاص کشور را در کنار عوامل مالی و مدیریتی، در قالب یک چارچوب پارادایمی به تصویر کشیده است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

۵-۱. نوآوری‌های نظری و روش‌شناختی

این پژوهش از چند منظر، به غنای ادبیات مدیریت هزینه در کشورهای در حال توسعه کمک کرده است:

- **نوآوری نظری:** شناسایی مؤلفه‌های جدیدی مانند «تحریم‌های اقتصادی»، «نهادهای ناظر» و «ضعف در اجرای بانکداری اسلامی» به‌عنوان عوامل مؤثر بر مدیریت هزینه، مدل‌های کلاسیک را با واقعیت‌های نظام بانکی ایران تطبیق داده است. این مؤلفه‌ها در هیچ‌یک از مدل‌های خارجی (نظیر ABC یا SCM) دیده نمی‌شوند.

- **نوآوری روش شناختی :** استفاده از نظریه داده بنیاد چندوجهی، که داده های تجربی را با مبانی نظری موجود تلفیق می کند، به عنوان یک روش کارآمد در حوزه های با فقدان نظریه بومی معرفی شده است. این روش نشان داد که می تواند برای سایر حوزه های مدیریتی در ایران نیز الهام بخش باشد .
- **نوآوری کاربردی :** مدل ارائه شده، یک نقشه ی راه عملی برای مدیران و سیاست گذاران است. برای مثال، شناسایی نقش «نهادهای ناظر» به عنوان عامل مداخله گر، به بانک مرکزی این پیام را می دهد که می تواند با اصلاح مقررات، به جای تحمیل هزینه، به کاهش هزینه ها کمک کند .

۲-۵. مقایسه با یافته های پیشین

همسویی با پژوهش ها : نقش کلیدی فناوری در مدیریت هزینه، که توسط Ebisu & Lakwa (۲۰۲۵) و گلی زاده و همکاران (۱۴۰۰) نیز تأیید شده ، در این پژوهش (مؤلفه های «عدم توجه به فناوری های نوین» و «توسعه فناوری») به عنوان یکی از قوی ترین مقوله ها ظاهر شد .

تفاوت با پژوهش ها : در حالی که پژوهش های خارجی عمدتاً به عوامل درون سازمانی (مانند کارایی عملیاتی) پرداخته اند، این پژوهش نشان داد که عوامل برون سازمانی (تحریم ها، سیاست های پولی و نهادهای ناظر) سهم قابل توجهی در شکل دهی به ساختار هزینه های بانک های ایران دارند. این تفاوت، ناشی از شرایط خاص اقتصادی و سیاسی ایران است و ضرورت بومی سازی مدل ها را آشکار می سازد .

۳-۵. پیامدهای مدیریتی و سیاست گذاری

- **برای مدیران بانک ها :** این پژوهش نشان می دهد که کنترل هزینه، صرفاً با کاهش هزینه های جاری ممکن نیست؛ بلکه مدیران باید به طور هم زمان به اصلاح ساختار مالکیت، مدیریت ناترازی و سرمایه گذاری در فناوری توجه کنند.
- **برای نهادهای نظارتی (بانک مرکزی) :** نتایج نشان می دهد که سیاست های نظارتی می توانند نقش مداخله گر یا تسهیل کننده داشته باشند. پیشنهاد می شود بانک مرکزی با بازنگری در مقررات تحمیل کننده ی هزینه، زمینه را برای استقرار نظام های نوین مدیریت هزینه فراهم کند .

منابع:

- صادقی، م.، و نیکوکار، م. (۱۳۹۹). طراحی مدل پویای تحلیل هزینه‌ها در صنعت بانکداری. تحقیقات مالی و بانکداری اسلامی، ۵(۱۳)، ۸۷-۱۰۴.
- عباسی، م.، مهتری، ز.، و ناظمی، ا. (۱۴۰۲). اولویت‌بندی چالش‌های کاهش هزینه بانک ملی با رویکرد تلفیقی تحلیل سلسله‌مراتبی فازی و پرامتی. مجله پژوهش‌های پولی، ۵۷، ۱۲-۳۵.
- گلی‌زاده، ح.، باقرزاده، م.، مهرآرا، ا.، قلی‌پورکنعانی، ی.، و شاه‌چرا، م. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر تجهیز منابع بانکی و ارائه مدل تطبیقی. فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۵(۵۵)، ۱۳۳-۱۵۴.
- Ebissa, T. T., & Lakwa, F. (2025). Cost efficiency of commercial banks in Ethiopia: Does financial technology matter? PLOS ONE
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research. New York: Aldine.
- Goldkuhl, G. (2004). Conceptual determination when developing a multi-grounded theory. In European Conference on Research Methods in Business and Management.
- Goldkuhl, G., & Cronholm, S. (2010). Adding theoretical grounding to grounded theory: Towards multi-grounded theory. International Journal of Qualitative Methods, 9(2), 187-205.
- Kılıç, G. (2025). The effect of cost efficiency on the financial performance of banks: A Research on public banks in Turkey. International Journal of Business & Economic Studies, 7(3), 188-196.
- Mamonov, M. (2024). Bank cost efficiency and credit market structure under exchange rate volatility. Journal of Banking & Finance.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Sage Publications